

بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی

پهل دختران اصفهان، تاربخانه دامغان و مسجد جامع ساوه

بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی چهل دختران اصفهان ، تارخانه دامغان و مسجد جامع ساوه

مقدمه

مناره‌های سلجوقی ایران از عناصر مهم معماری اسلامی از نظر حکمی ، فرم معماری ، سازه و تزئینات هستند که در این چهار حوزه ، به بررسی و تحقیق نیاز دارند. احداث مناره در ایران، به عنوان راهنما و هدایت معنوی و مادی، از دوره پیش از اسلام، آغاز و در عصر سلجوقی به اوج تکامل خود رسید. آنها ابتدا به صورت منفرد در دشت‌ها، در کنار راه‌های مهم و مسیر کاروان‌ها و سپس در نزدیکی مساجد و مدارس به عنوان یک عنصر مهم و نشانه قرار گرفتند.

با توجه به اینکه طرح ، ساخت و تزئینات مناره‌های سلجوقی از شاهکارهای معماری ایران بوده این نوشتار به بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی ایران یعنی مناره تارخانه دامغان ، چهل دختران اصفهان و مسجد جامع ساوه و تحلیل مقایسه‌ای تزئینات آجری شامل نقوش هندسی و کتیبه‌های آنها پرداخته است.

۱. سابقه تاریخی ، عملکرد و ریخت‌شناسی مناره‌ها تا دوره سلجوقی

۱.۱ سابقه تاریخی و عملکرد مناره‌ها

مناره یعنی جای نار (آتش) و منار را چراغ دان و جای بلند که بر آن چراغ یا آتش افروزند ، نیز معنی کرده‌اند. مناره گاه با فانوس دریایی ، برابر تصور می‌شد که در واقع نظری مبنی بر علامت و راهنما بودن آن است. در تفسیر نمادین از مناره به عنوان تجلی گاه نور الهی یا تصویر درخشش معنوی نیز استفاده شده است.

نخستین نشانه‌های دست ساز در راه‌های ایران ، کپه‌ها یا صفه‌های سنگی (صفه سنگی مادی بیستون) ستون‌های سنگی (برد نشانده) یا تخته سنگ‌های بزرگ و بلند بودند. با توجه به اینکه در ذات سنگ نیز آتش است ، آتشدان‌های سنگی دوره هخامنشی و ساسانی ، مانند آتشدان‌های پاسارگاد و نقش رستم نیز نوع تکامل یافته این نشانه‌ها هستند.

برخی از باستان شناسان از جمله گیرشمن ، کعبه زرتشت را در نقش رستم از زمره آتشگاه‌ها به شمار می‌آورند. برج نورآباد که به میل اژدها معروف است ، به دوره اشکانی تعلق دارد و دارای پلکانی است که به آتشدانی سنگی که بر فرازش قرار دارد ، منتهی می‌شود.

گروهی از این بناها نقش نگهدارنده آتش مقدس را به عهده داشتند. چهارتاقی‌های ساسانی نیز محل نگهداری آتش مقدس یا خرد مقدس بودند. تعدادی دیگر نیز که بر بالای بلندی و بر سر راه کاروان‌ها

ساخته می‌شدند ، علاوه بر نقش قبلی کاربرد علامت و راهنما را نیز عهده‌دار بودند. از معروف‌ترین برج‌های آتش این دوره ، برج آتش فیروزآباد است که بنایی با ارتفاع حدود ۲۶ متر بوده و فرم کلی آن در برخی از مناره‌های بعد از اسلام دیده می‌شود.

در فلسفه و دین زرتشت آمده است : هنگامی که آتش یا اردیبهشت از جهان روحانی به جهان مادی منتقل شده ، آن صورت نوعیه غیرمادی در جهان مینوی باقی ماند و امشاسپند یا ایزد آتش نامیده شد. سهروردی می‌گوید : آتش دارای ذاتی نورانی و شریف است که فارسیان دربارهٔ این نور اتفاق نظر دارند که آتش ، رمز وجودی اردیبهشت است. آتش نشانه و رمز وجودی خداوند (اهورامزدا) و راه رسیدن به ذات حق باری تعالی است. احترام به آتش با همهٔ ارج و بزرگی در فرهنگ اعتقادی ایرانیان حفظ شده است. پس این عنصر شریف به عنوان نماد و نشان وارهٔ ایزد ، افروخته می‌شد و هنگام افروختن و رؤیت به عنوان تعظیم و تکریم ذات خداوندی ادعیه‌ای تلاوت می‌شد و احترام آن واجب بود.

پس در دورهٔ پیش از اسلام ، دو عملکرد عمده برای برج‌های آتش (مناره‌ها) بوده است : یکی راهنمای مسافران در مسیرهای حرکتی کاروان‌ها و دوم برای انجام مراسم مذهبی و تعظیم و تکریم خداوند یکتا و گاه هر دو عملکرد با کارکرد دیگری ادغام می‌شده ؛ مانند طاق گرا که در مسیر کاروان بوده و مراسم مذهبی هم در کنار آن برگزار می‌شده و از نظر برخی محققان نیز برای یادمان پیروزی احداث شده بود.

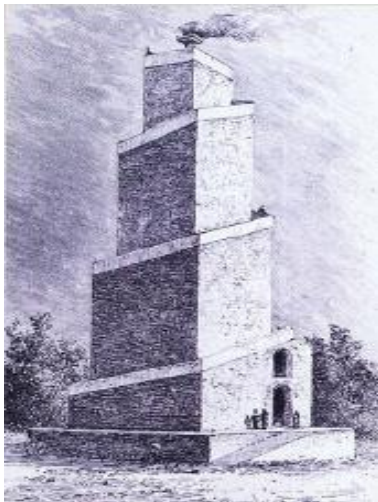


طاق گرا

از نظر برخی از محققان ، احداث مناره‌های منفرد ایران با عملکرد میل راهنما در قرون اول اسلامی به نوعی تداوم معماری برج‌های آتش قبل از اسلام ایران بوده است. در این دوره نیز دو نظریهٔ اصلی برای نقش مناره‌ها وجود دارد : نظریهٔ اول مبتنی بر حضور نور و روشنایی و تجلی گاه نور الهی و هدایت معنوی است. نظریهٔ دوم براساس نقش علامت و راهنما بودن و هدایت مادی آنها استوار است ؛ برای مثال به نظر پوپ ، برخی از مناره‌ها که در مسیر جاده‌های اصلی حواشی کویر واقع هستند ، مانند میل خسروگرد واقع در سبزوار ، میل زیار واقع در اصفهان و میل نادری واقع در نرماشیر بم ، این نظر را تقویت می‌کنند که یکی از عملکردهای مناره‌ها ، نقش علامت و راهنما بوده است.

در دوره اسلامی، عملکرد مناره گسترده‌تر می‌شود. مناره‌ها نقش راهنمایی مسافران را بر عهده داشته‌اند؛ اما ستایش خدای یکتا در کنار آتش به مکان‌های مقدسی مانند مسجد و مدرسه تغییر مکان داده و این بناها بدین وسیله، نقش مذهبی خود را در کنار مسجد و مدرسه ادامه داده‌اند. گاه در مسیر کاروان‌های زیارتی، خیرین دارالضیافه‌هایی برای اطعام زائران احداث می‌کردند و مناره‌ها نشان محل اطعام و اطراق مسافران می‌شدند. در تفسیر نمادین از مناره، به عنوان تجلی گاه نور الهی یا تصویر درخشش معنوی نیز استفاده شده است. درباره‌ی مأذنه که محل اذان گفتن است، بعضی از پژوهشگران مانند هیلن براند معتقدند که در دوره اسلامی نیز ابتدا ارتباطی بین مناره و عملکرد آن برای گفتن اذان وجود نداشته است. به ویژه در خصوص مناره‌هایی که بلندتر از ۱۵ متر هستند.

با وجود تردیدی که در این کارکرد مناره برای پیدایش آن وجود دارد، به تدریج در گلدسته مناره‌های مساجد، امکان اذان گفتن به وجود آمد و گلدسته‌ها بعضاً به مأذنه تبدیل شدند.



برج آتش فیروزآباد مربوط به دوره ساسانی که نمونه روشنی برای مسجد سامرا بوده است.



میل اژدها، نورآباد فارس



کعبه زرتشت در نقش رستم فارس مربوط به دوره هخامنشی که گیرشمن آن را در زمره بناهای دینی به شمار آورده است.

شکل‌شناسی و فرم مناره‌های ایران تا دوره سلجوقی

طبق بررسی روند تاریخی برج‌های آتش (مناره) در ایران، تمام آتشدان‌های کشف شده مربوط به دوره پیش از اسلام و متقدم آنها در دوره هخامنشی، با مقطع مربع یا چلیپا بوده‌اند که دو نمونه مهم در پاسارگاد و نقش رستم است. برج‌های آتش دوره هخامنشی و پارتی نیز که در مورد کاربری دو برج پاسارگاد و نقش رستم، نظریات مختلفی ابراز شده است ولی گیرشمن آنها را ادامه برج‌های آتش اورارتویی می‌داند و برج آتش نورآباد را در تداوم آنها ذکر می‌کند دارای نقشه چلیپایی مربع هستند.

چهارطاقی‌ها و آتشکده‌ها با نقشه مربع چلیپا بوده ، به طور استثنا یک برج آتش به نام چاهک قم دارای مقطع دایره و استوانه‌ای شکل است و احتمال ارتباط آن با دوره اسلامی ، بسیار زیادتر از دوره ساسانی است.

در دوره اسلامی از برج‌های بلند یادمانی ، می‌توان به میل گنبد قابوس با نقشه شمسه‌ای ده وجهی اشاره کرد. بدین ترتیب در این دوره ، حرکت از مربع به طرف چندضلعی و در نهایت ، به دایره ختم می‌شود. از دوران هخامنشی تا ساسانی ، نقشه چلیپای مربع بر مناره‌های ایران حاکم است و پایه چهارگوشه یا چندضلعی در اولین مناره‌های دوره اسلامی حضور دارند.

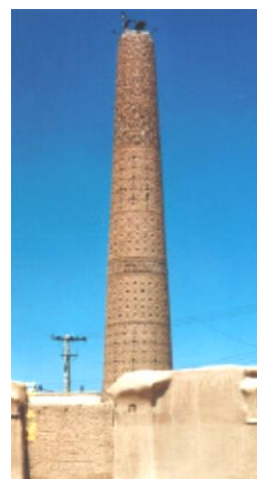
بسیاری از محققین معماری ایرانی ، برج‌ها و معابد استوانه‌ای ، درخت اولیه دین را جاودانه ساخته و نماد فلسفی‌ای را که با آیین مذهبی سروکار می‌یابد ، قوت بخشیده و قصد نشان دادن محور دنیا در کار بوده است. از مناره‌های اولیه که باقی مانده‌اند ، می‌توان حدس زد که آنها از برج‌هایی با قالب‌بندی چهارگوش پیروی کرده‌اند ؛ مانند مناره‌های دامغان و سیراف ؛ البته زمان زیادی طول نکشید تا این شکل دستخوش تغییرات اساسی قرار گرفت. در وضعیت موجود ، مناره تاریخانه از روی زمین ، به صورت استوانه‌ای بالا رفته و پایه مربع شکل مربوط به مناره اولیه و قدیمی آن است. در مناره مسجد جامع نایین ، قالب بندی سنتی چهارگوش حفظ شده ؛ اما چشم پوشیدن از آن در نما ، باعث شده که محوری هشت وجهی بر پایه‌ای چهارگوش قرار گیرد ، دو سوم نما با همین محور ادامه یافته و سپس به شکل استوانه مخروطی درمی‌آید. این تبدیل هشت وجهی به مدور ، چنان آرام و ملایم صورت می‌گیرد که چندان توجهی را برنمی‌انگیزد. مناره چهل‌دختران اصفهان دارای یک ته ستون ساده چهار وجهی است که میله مدوری در وسط آن قرار گرفته است.



منار چهل دختران
اصفهان ابتدای سده ششم هجری.



منار باقوشخانه در اصفهان، سده
پانزدهم م



منار سلجوقی دامغان، سده پنجم هجری

استفاده از برج‌های آتش نه تنها در داخل مرزهای ایران ، بلکه در برخی از سرزمین‌های جهان اسلام نیز استفاده شده است. به طوری که عدم گرایش عباسیان در تقلید از فرم‌های معماری اموی سوریه ، آن‌ها را برای پذیرش فرم‌های ایرانی برانگیخت. در فیروزآباد که نخستین پایتخت ساسانیان بود ، برج چهارگوش با رامپ بیرونی باقی مانده که این رامپ به دور آن پیچیده است. این بنا برای اعراب اولیه با اصطلاح ابهام انگیز طربال شناخته شده است که به عنوان میل راهنما و یادمان مذهبی زردشت که آتشی هم بر آن روشن می‌شده ، تعبیر می‌شده است.

کاربرد آجر در طراحی و ساخت و تزئینات مناره‌های دوره سلجوقی

استفاده از آجر به عنوان یکی از مصالح رایج در ساخت و ساز بناهای ایرانی از دوره پیش از اسلام ، اهمیت بسیاری داشته است. این ماده به عنوان عنصری متناسب با اوضاع اقلیمی و مقاوم در برابر تغییرات جوی و در دسترس بودن در هر منطقه ، از جایگاه خاصی در معماری و سازه و تزئینات بناها برخوردار بوده است. با توجه به اظهار نظر محققان ، از ویژگی‌های عمده معماری دوره سلجوقی ، اوج تکامل کاربرد آجر در بناها است. این عنصر با وجود اینکه خردترین جزء یک بنای عظیم و مرتفع بود ، نقش اساسی در طراحی ، شکل و فرم ، سازه و تزئینات داشت.

در همه مراحل مربوط به تکوین یک اثر معماری ، رابطه و همیاری تنگاتنگ نیارش ، هندسه ، پیمون با تزئینات نقش اساسی دارد. نیارش با استفاده از پیمون و با توجه به نیاز بنا ، عامل تعیین کننده و کنترل ابعاد و اندازه‌های بنا و راهنمای دستیابی به تناسبات و تزئینات مطلوب است. به این ترتیب ، آجر در اندازه‌ها و شکل‌های متفاوت ، عنصر اصلی ساخت بناهای مختلف ، از جمله برج‌ها و مناره‌ها شد.

آجر کامل را قد و آجر نصفه نیمه نامیده می‌شود. آجر سه قد و چارک ، کلوک (شستی) ، قلمدانی ، کلاغ‌پر ، کله گوش ، نیم لایی و ... از انواع فرم‌های آجری است که در نقوش آجری استفاده می‌شوند. برای ساخت برج‌ها معمولاً از آجر واکوب استفاده می‌شده است. به این ترتیب که خشت را قبل از رفتن به کوره با کمک دو تخته و کمی آب صاف و مرتب می‌کردند. پس از آن دوغاب شل از گل رس به اطرافش می‌کشیدند ، بعد آن را به کوره می‌بردند. این آجر نسبت به آجرهای معمولی ، بسیار صاف و مرتب و مقاومت آن هم بالاتر بود.

اندازه آجرهای دوره سلجوقی (قرن پنجم و ششم هجری) چهار گره معادل $26/6$ سانتی‌متر و آجر دوره‌های بعد $3/5$ و 3 گره معادل $23/3$ و 20 سانتی‌متر بودند. ابعاد دیوارهای مناره و ارتفاع آن نیز تابع و متکی به پیمون بوده است. با توجه به تحقیقات میدانی ، ابعاد آجرهای مناره مسجد جامع ساوه $21/5 \times 4$ سانتی‌متر و بقیه آجرهای تزئینی عبارت از $13 \times 4/5$ ، $11 \times 4/5$ ، $7 \times 4/5$ ، $4/5 \times 4/5$ سانتی‌متر و دیگر

ابعاد مورد نیاز نقوش بوده‌اند. درخصوص منارهٔ چهل دختران نیز بیشترین ابعاد $۲۲/۵ \times ۴$ سانتی متر و ابعاد ریزتر مشتق از آن است.

از بناهای ویژهٔ دورهٔ سلجوقی، سازه‌های برج‌ها و مقابر و بناهای چهار ایوانی است و تزئینات به کار رفته در بناها شامل کاربرد آجر، کاشیکاری، گچبری و مقرنس است. علاوه بر نمادهای سنتی بصری، کتیبه‌ها نقش آرایشی مهمی را ایفا می‌کنند. طراحان ایرانی به مخاطبان خود، اسلام را با کلام واقعی قرآن عرضه کرده‌اند. آنها مکاشفات خود را با اصول والای زیباشناسی آمیخته‌اند و توانسته‌اند به قلمرو روح پاک راه یابند. کار با آجر در زمان سلجوقی، از هر دو جهت زیبایی و ساختاری به حد کمال رسید. طرح‌های سادهٔ هندسی گذشته به حروف عظیم کوفی تبدیل شد و آجرچینی‌ها، دیوار را کاملاً زنده کرد و در واقع، تنوع نقش‌های آجری بر روی بدنه‌ها، به ویژه در مناره‌های سلجوقی، یک معرق کاری عالی با آجر را به نمایش گذاشت.

در عهد سلجوقی، تکامل تزئینات آجری در نمای بناها، دیوارها، پوشش‌ها، سقف‌ها، مناره‌ها و کفسازی به چشم می‌خورد. معماران این دوره در طریقهٔ چیدن آجرها و ایجاد قرنیزهای آجری و کتیبه‌های زیبا مهارت داشتند. ویژگی‌های تزئینی در آجرکاری سلجوقیان عبارت بود از: بافت آجرکاری، گره‌سازی، مفاصل، ردیف‌ها، پستی بلندی آجرها، حالت و رنگ سطوح آجری. شکل‌های مورد استفاده آجر در تزئین بناها شامل مربع، مثلث، دایره، حصیری، شکسته، طرح‌های لوز، خفته و راسته، زیگزاگ و انواع بافت مشبک.

در این دوره استفاده از خط‌های کوفی تزئینی آجری و گره‌های سادهٔ اولیه در پیوند با اسکلت و استخوان‌بندی بنا معمول شد. در این گونه آثار، اجزای زمینه‌های گره با تراش آجر و هم زمان با ساختن بنا با دیوارها و ساقه گنبدها رج‌چینی شده است. در این شیوه، به علت اتصال عمیق زمینه‌های گره با بنای اصلی، استحکام کار، نسبت به گره‌سازی تخمیری بیشتر است.

مناره‌های ایران در دورهٔ سلجوقی

نوآوری معماری بناهای سلجوقی، ازجمله مناره‌ها نشان‌دهندهٔ تحول عظیم معماری، سازه و تزئینات این دوره از تاریخ هنر و معماری این سرزمین است. آنچه همهٔ محققان بر آن توافق دارند، این است که مناره‌های سلجوقی بزرگترین شاهکار این سنت هستند. با استفاده از کتب و منابع مربوط به مناره‌های شناخته شدهٔ دورهٔ سلجوقی، با توجه به دورهٔ ساخت در جدول زیر تنظیم شده‌اند.

ردیف	نام مناره	تاریخ / دوره
۱	مناره مسجد میدان ساوه	۴۵۳ هـ. ق
۲	مناره مسجد پامنار زواره	۴۶۱ هـ. ق
۳	مناره مسجد جمعه کاشان	۴۶۶ هـ. ق
۴	مناره مسجد تاریخانه دامغان	۴۱۷ - ۴۲۰ هـ. ق
۵	مناره مسجد جامع سمنان	دوره سلجوقی
۶	مناره مسجد جامع دامغان	قرن ۵ هـ. ق
۷	مناره مسجد بردیسان اصفهان	۴۹۱ هـ. ق
۸	مناره چهل دختران اصفهان	۵۰۱ هـ. ق
۹	مناره مسجد جامع ساوه	۵۰۴ هـ. ق
۱۰	مناره خسروگرد سبزوار	۵۰۵ هـ. ق
۱۱	مناره گار اصفهان	۵۱۵ هـ. ق
۱۲	دو مناره حرم امام رضا (ع) مشهد	۴۷۹ تا ۵۲۵ هـ. ق
۱۳	مناره مسجد گز در اصفهان	۵۰۰ تا ۵۲۵ هـ. ق
۱۴	مناره مسجد سین اصفهان	۵۲۶ هـ. ق
۱۵	مناره مسجد علی اصفهان	اواخر قرن ۵ و اوائل قرن ۶ هـ. ق
۱۶	مناره خرم آباد	احتمالاً ۵۰۰ هـ. ق
۱۷	مناره گلپایگان	۶۰۰ هـ. ق
۱۸	مناره راهروان اصفهان	۵۲۵ تا ۶۸۸ هـ. ق
۱۹	مناره زیار اصفهان	۵۵۰ تا ۶۸۸ هـ. ق
۲۰	مناره ساریان اصفهان	۵۵۰ تا ۶۸۸ هـ. ق
۲۱	مناره مسجد جامع اردستان	دوره سلجوقی هـ. ق
۲۲	مناره مسجد امام حسن اردستان	دوره سلجوقی هـ. ق
۲۳	مناره فیروزآباد در خراسان	دوره سلجوقی هـ. ق
۲۴	مناره بسطام شاهرود	دوره سلجوقی هـ. ق
۲۵	مناره مدرسه طبس	دوره سلجوقی هـ. ق
۲۶	مناره‌های حضرت عبدالعظیم	دوره سلجوقی هـ. ق
۲۷	مناره‌های امزاده پنجه کاشان	
۲۸	مقبره و مناره سنگ بسن خراسان	دوره غزنوی هـ. ق

در میان مناره‌هایی که در جدول ذکر شدند ، سه مناره که از نظر اهمیت طبق آنچه در ذیل ذکر می‌شود عبارت اند از: مناره چهل دختران شهر اصفهان ، مناره مسجد تاریخانه دامغان و مناره مسجد جامع ساوه

که به ترتیب به ویژگی‌ها طرح و نوع تزئینات آنها پرداخته می‌شود. در ادامه علت انتخاب این سه مناره بیان می‌شود.

اول اینکه این سه مناره موجودند و تاریخ روشنی دارند و از لحاظ محدوده زمانی، به قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری محدود می‌شوند و از معدود مناره‌های ایران هستند که کتیبه تاریخ‌دار دارند و دو مناره از سه مناره، جزء اسامی آنهایی هستند که استاد پیرنیا به عنوان شش مناره مهم ایران، که در مسیر کاروان‌های قرار داشتند، یاد کرده (مناره‌های مسجد میدان ساوه، جامع ساوه، جامع کاشان، جامع سمنان، تاریخانه دامغان و منار مسجد جامع دامغان شش مناره مد نظر استاد پیرنیا هستند).

دوم اینکه از نظر عملکرد هم به عنوان میل راهنما بوده و هم نشان‌دهنده مسجد و مدرسه دینی کنار آن بوده‌اند. قرارگیری سه مناره نامبرده در مسیر کاروان‌های زیارتی به حرم رضوی و قرار داشتن در کنار مساجد و مدارس مذهبی به اهمیت بررسی آنها می‌افزاید. سوم اینکه از نظر تزئینات آجرکاری و تنوع نقوش از زیباترین انواع خود محسوب می‌شوند و از نظر شکلی نیز دارای وجه تشابهات زیادی هستند.

مناره چهل دختران اصفهان - ۵۰۱ ه‍.ق

از لحاظ قدمت، اولین مناره تاریخ‌دار که در شهر اصفهان شناخته شده، مناره چهل دختران است. بانی این مناره ابی الفتح بن محمد بن عبد الواحد الهوجی بوده و در دوره محمد بن ملک‌شاه سلجوقی ساخته شده است. از نظر هرتسفلد، این مناره در کنار یک مدرسه علوم دینی قرار داشته که اکنون کاملاً از بین رفته است. خاکبرداری شمال مناره حدود سه متر و نیم از پی منار را که از سنگ لاشه و ملات آهک و خاکستر (آهک سیاه) ساخته شده، نشان می‌دهد. زیربنای مناره چهارگوش و فقط گوشه جنوبی آن مدور شده است. روی پایه آجری به ارتفاع ۵ متر ساخته شده که ورودی پلکان در آن قرار دارد. بخش مدور مناره، ۲۱ متر ارتفاع دارد که مجموعاً با بخش پایه به ۲۶ متر می‌رسد، حدود یک متر از ارتفاع مناره از بالا تخریب شده است. قطر مناره در ابتدا ۲/۹ متر و ضخامت دیوار ۵۵ سانتی‌متر و قطر ستون هشت ضلعی مرکزی ۵۵ سانتی‌متر است. در بالا قطر میله مناره ۲/۳ متر و ضخامت دیوار ۵۵ سانتی‌متر و قطر ستون وسط مناره ۳۳ سانتی‌متر است. مناره دارای کتیبه‌ای قدیمی به خط نسخ است و پنجره‌ای وسیع، در بخش دوم ثلث ارتفاع مناره قرار دارد. به نظر می‌رسد که یک متر از بالای منار از میان رفته است و آثاری از پیش‌آمدگی در بالای آن دیده نمی‌شود.

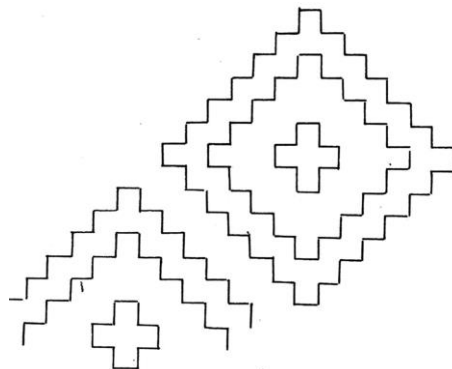


مناره چهل دختران اصفهان

تزئینات منار چهل دختران

اضلاع جنوبی و جنوب غربی پایه منار ، با کتیبه‌های از آجرکاری آذین شده‌اند. یک بخش با آجرچینی ساده و دو لوح دیگر به صورت برجسته هستند. چهارمین کتیبه که در بالای آن است ، با آجرچینی معرق ساخته شده است. این کتیبه به خط کوفی و در شش خط است. تاریخ ۵۰۱ هجری در این قسمت درج شده است. میله مناره شامل هفت قسمت است. اولین و پایین‌ترین بخش حاشیه‌ای است مزین به نقش لوزی شکل که منار برسیان را تداعی می‌کند.

قسمت دوم که با آجرچینی معرق تزئین شده ؛ نقوشی به شکل مثلث‌های متساوی‌الاضلاع که به طور وارونه در کنار هم قرار گرفته‌اند. زمینه هر یک از این مثلث‌ها نقشی سه ترکی است.



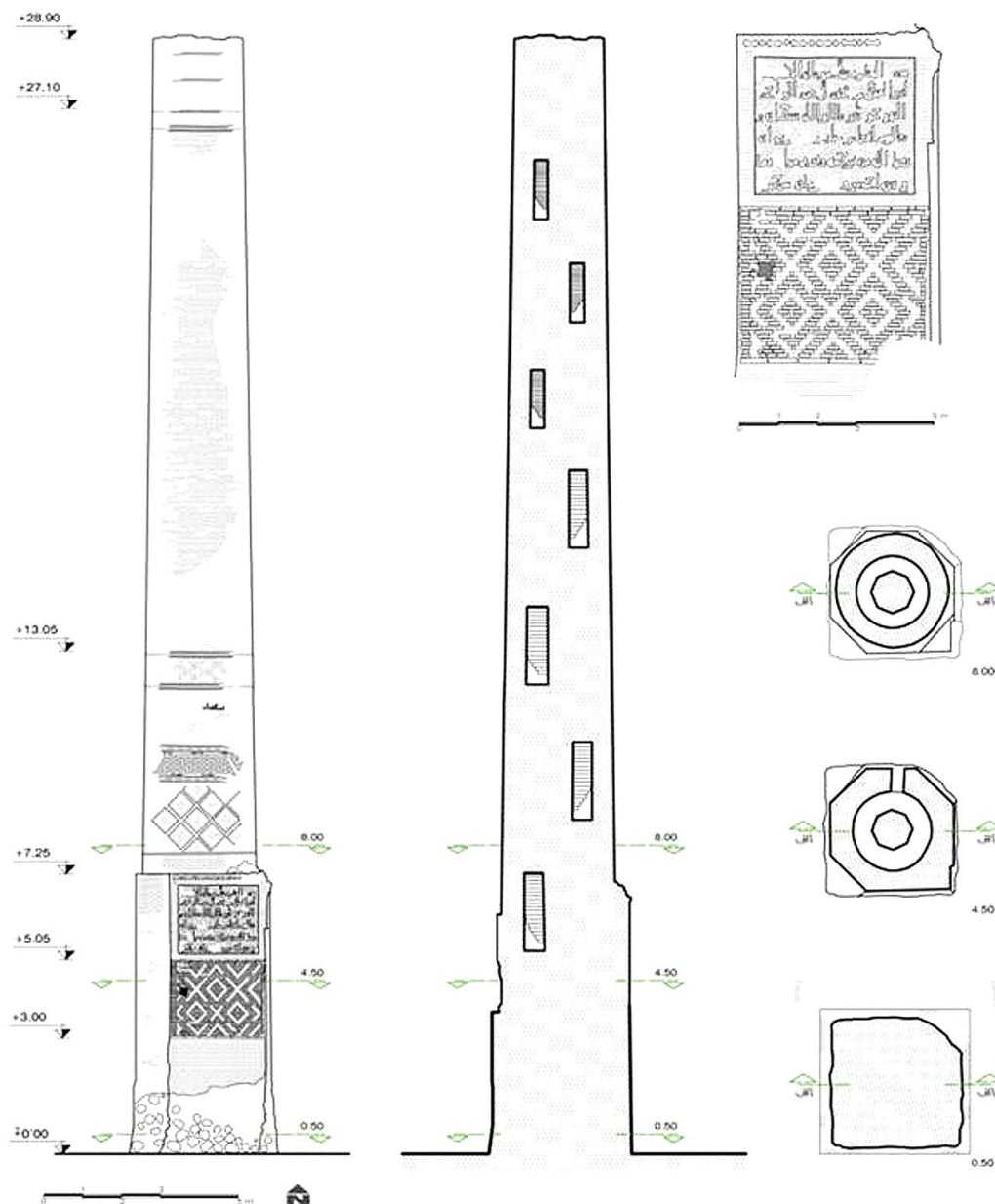
نقش معقلی گلدار (خفته راسته زنجیره‌ای) بخشی از الگوی تزئینات مناره چهل دختران

سومین قسمت در ضلع جنوب جنوب شرقی ، کتیبه‌ای به خط نسخ قرار دارد در ۵ سطر ، که سطر چهارم از بین رفته است. بقیه نقاط این بخش متشکل از شبکه‌هایی از اشکال هشت ضلعی و ستاره‌های

شش پر است. قسمت چهارم که نوار کم عرضی است ، شامل نقوش برجسته است. در بالای این قسمت ، یعنی بخش پنجم ، بجز کوربندهای پهنی که سایه روشن‌های عمودی ایجاد کرده ، فاقد تزئینات است. در این بخش ، رو به سمت قبله پنجره‌ای قرار دارد که دهانه مستطیل آن با سرتاق چوبی و در دو طرف آن ستون‌های کوچک مدور با سرستون‌های مسطح طاقچه‌ای کم عمق وجود دارند. این طاقچه از پهلوی به شکل طاقی جناغی است که در چهارچوب مستطیل احاطه شده است. بخش ششم به شکل گردنبندی است متشکل از خطوط کوفی شبیه به گل و برگ که چهارچوب نواری شکل آن را حاشیه‌ای با خطوط زیگزاگ احاطه کرده است. حاشیه پایینی مزین به ستاره‌هایی شش پر است. هفتمین و بالاترین قسمت به شکل تاجی است با برآمدگی مختصر که تاج مستطیل شکل برجسته‌ای را به نمایش گذاشته است. هیچ گونه آثار کاشیکاری در ساختمان مناره دیده نمی‌شود.

این مناره به سه کتیبه مزین است که دو تای آنها به خط کوفی و یکی به خط نسخ است. اولین کتیبه که به خط کوفی است ، در نوک مناره قرار گرفته و شامل آیه‌های ۳ و ۴ از سوره طه است. کتیبه دوم به خط نسخ و شامل پنج سطر است که سطر چهارم و بخشی از سطر پنجم محو شده است. سطوری که تراشیده و محو شده ، محل نام سه تن از خلفای راشدین است که خاطره آنها برای ایرانیان شیعه ناخوشایند است ؛ ولی نام علی که مورد احترام ایرانیان است ، حفظ شده. متن کتیبه شامل عبارت « بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله وحد لا شر کی له ، محمد رسول الله صلی الله علیه خیر الناس بعد رسول الله صل الله علیه ... علی بن ابیطالب رضی الله عنهم اجمعین » است.

متن کتیبه سوم شش سطر و به خط کوفی نوشته شده که عبارت است از « هذا المنارة بنت من ماله الاسفها لار ابي الفتح بن محمد بن عبدالواحد الهوجی تقرّباً الى الله سبحانه و تعالی و ابتعاء موضاته و جزیل ثوابه تقبل الله منه برحمته و فرغ اتمامها فی سنه احدى و خمس مانه المجدویه » شیوه نگارش آن کاملاً با کتیبه‌های کوچکترین گنبد از دو گنبد سلجوقی مسجد جمعه اصفهان مشابهت دارد. ارزش اصلی کتیبه‌های این مناره در این است که یکی از آنها به خط نسخ نوشته شده و این کتیبه تا آنجا که محقق است ، قدیمی‌ترین متن از این گونه (کتیبه نسخ) است که در ایران ، بر یک بنای دارای تاریخ نقش شده است.



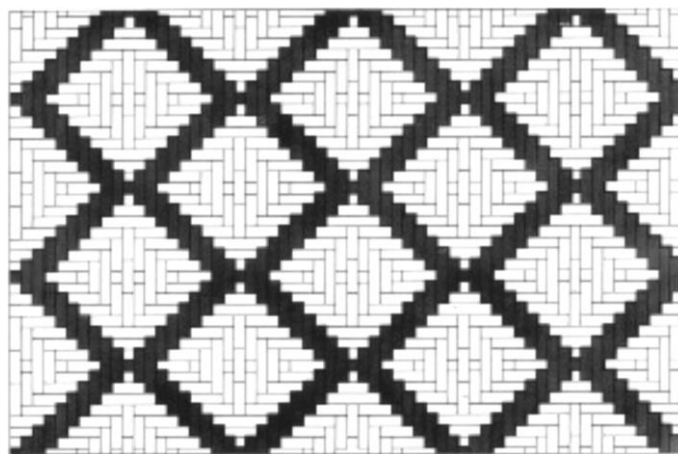
برش افقی ، عمودی و نمای منار چهل دختران از سه تراز مختلف

مناره مسجد تاریخانه دامغان

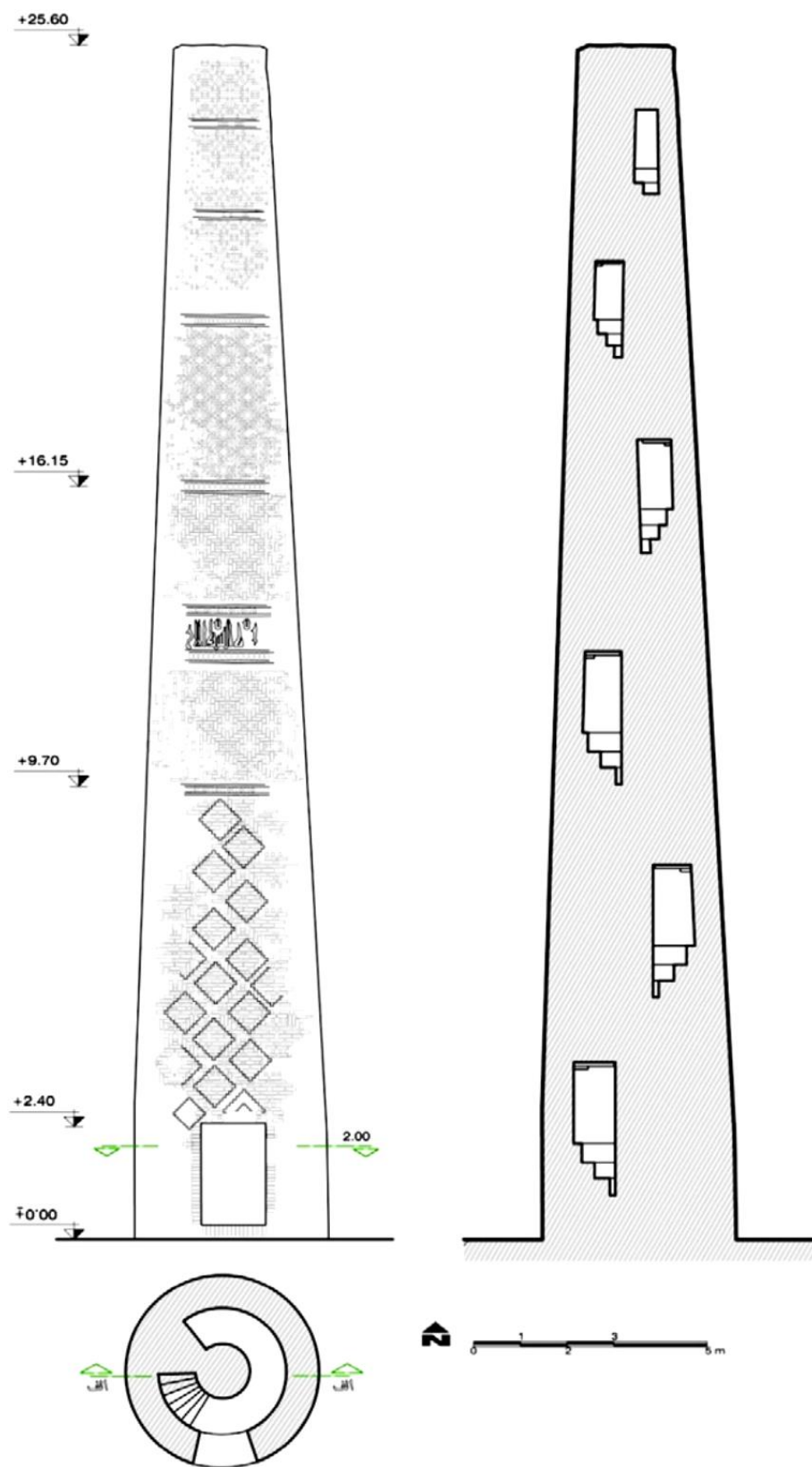
یکی از قدیمی‌ترین مناره‌های موجود در ایران که کتیبه‌ای به خط کوفی دارد ، مناره مسجد تاریخانه دامغان است. غلامحسین معماریان به نقل از استاد پیرنیا می‌گوید : « در معماری ما شش منار آجری دیده می‌شود ، منار مسجد جامع و مسجد میدان ساوه ، منار مسجد جامع کاشان و سه منار دیگر که در سرزمین کومش است ؛ یعنی سمنان و دامغان. یکی در کنار مسجد جامع سمنان که در کتیبه آن سازنده را اباحرب بختیار ممدوح منوچهری دامغانی می‌دانند و دوم در کنار تاریخانه دامغان و سوم منار مسجد جامع دامغان. همه این مناره‌ها نشانه مسجد بوده‌اند و از دور دیده می‌شده‌اند. جالب است که درست کنار جاده‌ها هم ساخته شده‌اند ».

مناره تاریخانه را امیر اجل بختیار بن محمد معروف به ابوحرب حاکم مشهور قومنس ، حدود ۴۱۷ بر پا ساخت به این قرار می‌توان بر صحت این نظریه تأکید داشت که تاریخانه در قرن پنجم هجری هم به عنوان جامع شهر دایر و همان مسجد توصیفی مقدسی است که در حدود جنوب شرقی شهر دامغان کنونی قرار داشت. هم زمان با تاریخانه ، مناره مسجد جامع سمنان و برج مقبره پیر علمدار نیز به فرمان وی بنیاد نهاده شد و به طور قطع ، می‌توان گفت که در دوره وی دامغان به عنوان مرکز حکومتی ، از توسعه و ترقی لازم برخوردار بوده و منوچهری دامغانی شاعر مشهور ، او و اربابش فلک المعالی منوچهر بن قابوس (۴۰۵ تا ۴۲۴ هـ) را مدح گفته است. نیز در همین کتاب آمده است : « تاریخانه دامغان همچنان به عنوان جامع بزرگ شهر دایر بود و بر جای مناره ویران آن به سال ۴۱۷ ، در سمت شمال شرقی آن ، مناره ای مرتفع با خشت خام برپا شد » پس طبق کتیبه کوفی مسجد ، مناره به همت بختیار بن محمد که قرن پنجم هجری زندگی می‌کرده ، احداث و به مجموعه زیبای تاریخانه اضافه شده است. این مناره آجری ۳۰ / ۲۵ متر ارتفاع که قطر آن در پایین حدود ۵ / ۴ متر و در بالا در حدود ۳ متر است ؛ دارای ۸۶ پله در داخل و بدنه آن با آجرکاری زیبا تزئین شده است. بانی این مناره در دامغان ، آرامگاهی نیز برای پدر خود محمد بن ابراهیم ملقب به پیر علمدار بنا کرده است.

با توجه به اینکه سال ساخت روی کتیبه مناره مشخص نیست و در ارتفاع ۵ / ۱۰ متری ، کتیبه‌ای آجری به خط کوفی به عرض ۳۰ / ۱ متر فقط نام « الامیر السید الاجل » در آن خوانده می‌شود ، زمان حکومت ابوحرب بختیار حدود ۴۲۲ تا ۴۱۸ هـ، دوره ساخت صحیح مناره است.



نقوش خفته راسته زنجیر های در مناره تاریخانه دامغان



برش افقی و عمودی و نمای منار تاریخانه دامغان از سه تراز مختلف

در هر صورت ، این مناره زیبا از پایین به بالا باریک شده است و یکی از مناره‌های استوانه‌ای شکل است. محیط آن در پایین ، حدود ۱۳ متر است و به نسبت از ارتفاع آن کاسته می‌شود ؛ به طوری که محیط مناره در بالا ۸/۶ متر است. مناره سکو ندارد و از روی زمین مدور ساخته شده است. نقوش اصلی مناره تاریخانه شامل نقش خفته راسته زنجیره‌ای است که در مرکز لوزها و محل اتصال آنها با عقب‌نشینی فرورفته شده و سایه روشن زیبایی را در نقش ایجاد کرده است.

مناره مسجد جامع ساوه

در سده‌های نخستین اسلامی ، بیشتر راه‌ها به ری پایان می‌یافته است و سپس از ری به شهرهای دیگر می‌رفتند. شهر ساوه یکی از سرخانه‌ها و منزلگاه‌های نامدار شاهراه خراسان ، میان همدان و ری بوده و از دید راهداری ، جایگاه ویژه‌ای داشته است. گویا این شهر باجگاه و گمرک‌خانه بوده و گفته شده که نام آن نیز از « ساو » به معنای باژ و باج گرفته شده است. تهران مسجد بزرگ این شهر می‌تواند گواه آن شمرده شود.

بعد از اسلام برخی مناره‌ها کنار مسجد جای گرفته‌اند و نشانه آن شده‌اند ؛ مانند مناره‌ای که کنار مسجد جامع ساوه است. این مناره آجری که بر طبق کتیبه کوفی آن به سال ۵۰۴ هجری ساخته شده ، دارای تزئینات زیبایی از دوره سلجوقیان است. جداره آجری این مناره به استثنای قسمت پایین آن که تعمیر شده است ، از محاذات مدخل راه پله به بالا ، آراسته به نقوش متنوع برجسته آجری و سه کتیبه به خط کوفی برجسته آجری به طور ساق بند و گلوبند است. دو کتیبه گلوبندی نیز به خط برجسته کوفی است ؛ اما خط هر یک با دیگری تفاوت دارد. در این کتیبه‌ها ، تاریخ اربع و خمس مائه خوانده می‌شود. قطر این مناره استوانه‌ای شکل ۵/۳ متر و ارتفاع آن پس از خرابی نیمی از قسمت بالای آن ، حدود ۱۴ متر است. این منار از ارتفاع ۴ متری دارای راه پله داخلی مارپیچی است که با صعود از نردبان می‌توان به درگاه راه پله مزبور راه یافت.

تزئینات نقوش زیبای آجری مناره مسجد جامع از سه نقش عمده تشکیل شده که با چند حلقه حاشیه‌های تزئینی زیبا محاط شده‌اند. پایه اصلی این سه نقش هشت ضلعی است که در طرح‌های متنوعی ارائه شده است. نقشه طرح پایینی بر پایه نقش هشت ضلعی قرار دارد که درون آنها بافته‌های حصیری مربع قرار دارد. در نقش میانی مناره نیز هشت ضلعی که درون آن ستاره هشت پر و نقشه تزئینی نیز ستاره‌های هشت گوش با مربع‌هایی هستند با ستاره‌های چهارپر با نقش لوزی به یکدیگر متصل می‌شوند.

با توجه به برداشت میدانی فرورفتگی در پلان و نبود تزئین در بخشی از مناره معلوم می‌شود که احتمالاً این مناره جزئی از مجموعه سردر قدیمی مسجد جامع ساوه بوده و احتمالاً قدیمی‌ترین جفت مناره شناخته شده در سردر مساجد هستند. تصاویر نیز گواه مطلب فوق است.



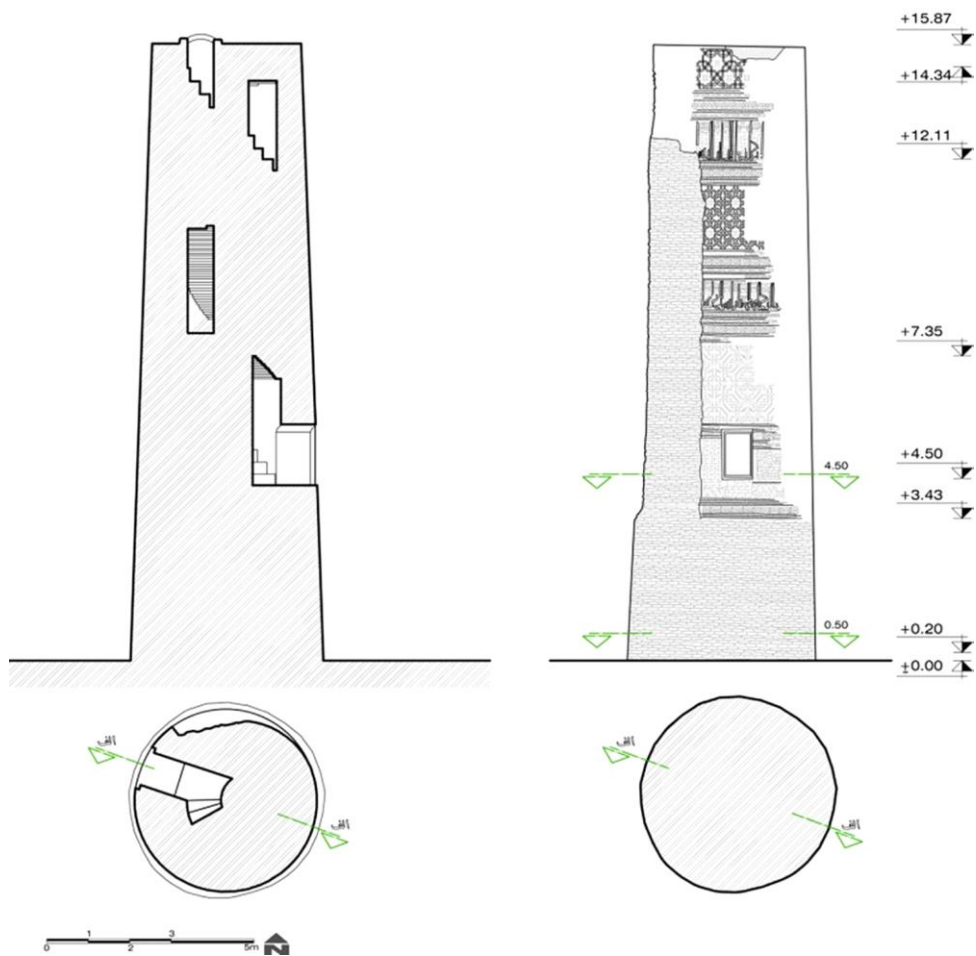
تصویر مناره مسجد جامع ساوه پس از تخریب جفت مناره



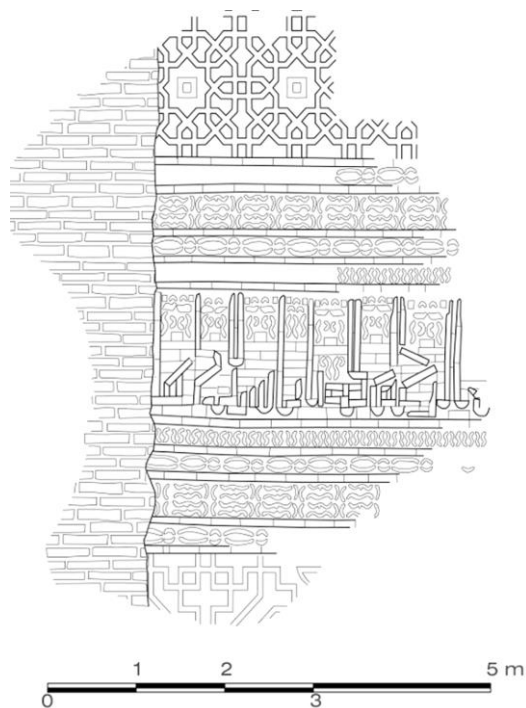
تصویر بخش فاقد تزئین مناره مسجد جامع ساوه



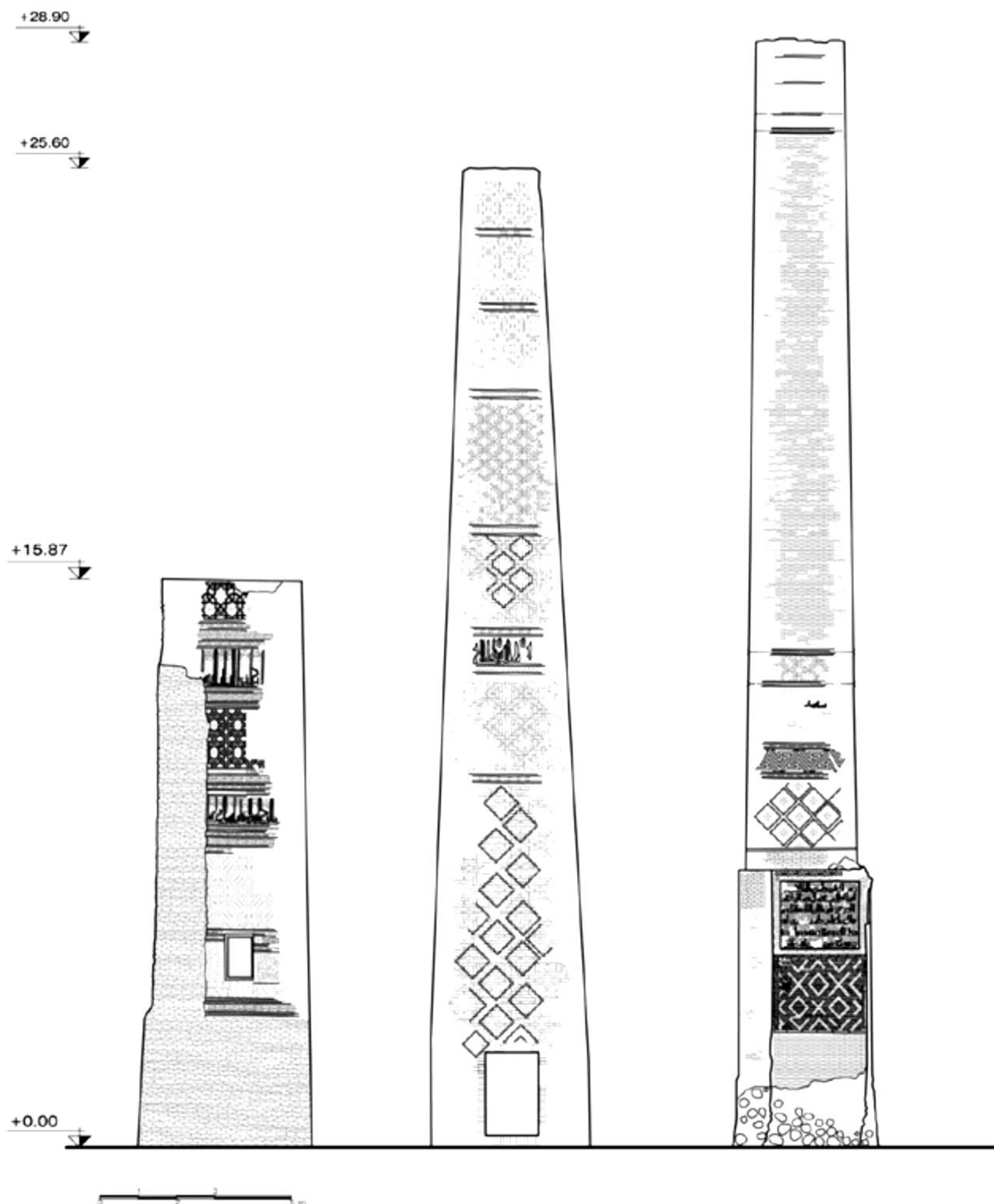
کتیبه کوفی مناره مسجد جامع ساوه



نقشه‌های منار مسجد جامع ساوه



نقشه‌های منار مسجد جامع ساوه ، گوشه‌ای از تزئینات



مقایسه نماهای سه منار در کنار کیدیکر از راست به چپ: منار چهل دختران اصفهان ، منار تاربخانه دامغان ، منار مسجد جامع ساوه

نتیجه‌گیری

از مبحث سابقه تاریخی و عملکرد مناره‌ها نتیجه می‌شود که با وجود اعتقاد اغلب محققان غربی تاریخ معماری ایران مبنی بر اینکه ارتباط مناره‌ها با آتش و روشنایی در لغت بی‌معناست و این بناها تبلوری عینی در مراسم مذهبی نداشتند؛ ولی ارتباط برج‌های آتش با عرفان کهن ایران باستان بیانگر و نشانه‌انوار تابنده و ذات ایزد یکتا به عنوان نشانه راه و هدایت مادی و معنوی است که از ابتدای دوره تاریخی ایران ساخته می‌شدند؛ چنان که از برج‌های آتش اشکانی و ساسانی برجای مانده معلوم می‌شود که طرح کلی جایگاه‌های آتش از مربع و چلیپا آغاز شده و سپس در روند تکاملی خود در ایران اسلامی، از مربع به چندوجهی و در نهایت به صورت مناره‌های استوانه‌ای در کنار مساجد و مدارس و در مسیر کاروان‌ها (به خصوص مسیر زیارتی به طرف خراسان) قرار گرفتند. در نتیجه‌گیری از فرم‌شناسی مناره‌های ایران، می‌توان چنین بیان کرد که مربع در چرخش به هشت وجهی و دوازده وجهی، در نهایت به مدور تکامل می‌یابد. بیشترین تزئین مناره‌ها را کتیبه‌های قرآنی و نقوش زیبای آجری تشکیل می‌دهند. از مقایسه تزئینات و طرح‌های آجری مورد استفاده در آنها که شامل طرح‌های لوزی، مربع، مثلث، دایره و نقوش چند وجهی و ستاره‌ای، بافت‌های حصیری، خفته راسه و انواع مشبک‌ها بوده که بیشتر به صورت هفت قسمتی در میله مناره در ترکیب با کتیبه‌های قرآنی قرار داشتند. کتیبه‌های سیاسی که دارای قداست کمتری هستند، در پایه مناره قرار دارند.

همانطور که ملاحظه شد، تأکید این نوشتار بررسی شکلی و نقوش و کتیبه‌های آجری سه مناره دوره سلجوقی ایران بوده و مطالب بسیاری در حوزه ریخت‌شناسی، عملکرد و سازه قابل بررسی و تعمیق هستند؛ برای مثال در مطالعات مربوط به تزئینات می‌تواند تا مفاهیم حکمی و عرفانی نقوش، نوع آیه‌های کتیبه‌های قرآنی، معانی و مفاهیم و دیدگاه‌های معماران در استفاده از آنها بسط داده شود. دیاگرام زیر چهارچوب پیشنهادی درباره مباحث مطالعاتی مختلف مربوط به مناره‌ها است که حوزه‌های مطرح شده را دربرمی‌گیرد.

